

واکاوی رابطه حوادث طبیعی و عدل الهی با تأکید بر ویروس کرونا

نویسنده: معصومه حلیمی^۱

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۷

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۴

چکیده

هر پدیده‌ای در جهان هستی بر اساس اراده و مشیت الهی تحقق می‌یابد و خداوند اراده خود را بر اساس قانون علیت و اسباب و علل پیاده می‌کند و علت‌های مادی جزئی از اراده الهی و زیرمجموعه مشیت خداوند است؛ پس همان‌گونه که بروز حوادث طبیعی به واسطه اسباب طبیعی و بر اساس نظام اراده الهی است، جلوگیری از بروز آن و یا کم نمودن آثار تخریبی آن نیز بر اساس قوانین مادی و ذیل نظام مشیت الهی است. بر این اساس، در مقاله حاضر با بررسی و واکاوی حوادث طبیعی مثل ویروس کرونا با عدل الهی، ضمن تبیین معنایی و کاربرد واژگان کلیدی پژوهش و پاسخ به شبهه مرتبط با عدل الهی و بلاهای طبیعی، بیان شد که هدف از بروز حوادث ناگوار طبیعی مثل سیل و زلزله و بیماری‌های همه‌گیری هم‌چون ویروس کرونا تنها عذاب الهی نیست؛ بلکه آثار متعددی مانند یادآوری نعمت‌های الهی، بیداری از خواب غفلت، شکوفایی استعدادها، استمرار حیات در کره خاکی و عذاب ظالمان و سایر جنبه‌ها را به دنبال دارد که همگی می‌توانند از اهداف بروز حوادث طبیعی محسوب گردند. علاوه بر این، وقوع چنین حوادثی نه تنها منافاتی با عدل الهی ندارد، بلکه عین عدل الهی است؛ زیرا عذاب الهی نیز بر اساس سنت الهی و نظام اسباب و مسببات نازل می‌گردد.

واژگان کلیدی: حوادث طبیعی، عدل الهی، ویروس کرونا

مقدمه

در طول تاریخ، بلایا و فجایع و رخدادهای طبیعی باعث بروز بحث‌های کلامی چالش برانگیزی به خصوص در مورد عدل الهی و وجود شر شده است که «زلزله لیسبون» پرتغال در قرن ۱۸ میلادی یکی از این موارد بود؛ به ویژه آن‌که روشنفکران فرانسوی نوگرا را در مقابل متکلمین و روحانیون مدافع سنت مسیحیت قرار داد. هم‌چنین بروز بیماری‌های همه‌گیری مانند طاعون سیاه در اواخر قرون وسطی به حدی سؤالات کلامی چالش‌زایی برانگیخت که بسیاری این رخداد را یکی از عوامل ورود غرب به عصر رنسانس می‌دانند.

امروزه نیز با بروز رخدادهای طبیعی کشنده به خصوص همه‌گیری ویروس کرونا یک بار دیگر این پرسش‌ها توسط برخی پرسشگران با طرح این دو پرسش آغاز شده است:

۱. دانشجوی کارشناسی کلام اسلامی، گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، جامعه المصطفی

العالمیه، اصفهان، ایران، Masoume.halimi@gmail.com

- اگر خداوند عادل است؛ پس این همه بلا به چه علتی باید بر انسان وارد می‌شود؟
 - آیا این که تر و خشک در یک آتش بسوزند، عدل خدا زیر سؤال نمی‌رود؟
- به نظر می‌رسد اگر عدل الهی درست تعریف شود و پدیده‌های طبیعی، فرآیند مجموعه‌ای از علت‌ها دانسته شوند، نه تنها عدل خداوند زیر سؤال نمی‌رود؛ بلکه این حوادث به مثابه دلیل و نشانه عدل الهی دریافت می‌شوند که در این مقاله پاسخ به این دو پرسش و تبیین مطلب مورد اشاره، پی گرفته می‌شود.

مفهوم‌شناسی عدل

واژه عدل در لغت به معنای امر مستقیم و راست اطلاق می‌شود که ضد و مخالف ظلم به شمار می‌آید و ظلم نیز به معنای جور و گذشتن از حد است. کلیدواژه عدل در میان عامه مردم به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم به کار می‌رود.

در تعریفی دیگر از کلیدواژه عدل، چنین آمده که عدالت عبارت است از «اعطاء کل ذی حق حقه»؛ (طباطبایی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۳۷۱) یعنی هر کس بنا به حقی که دارد، حقوق متناسب به او داده شود. بنابراین باید نخست موجودی را در نظر گرفت که دارای حقی باشد تا رعایت آن عدل و تجاوز به آن «ظلم» نامیده شود؛ ولی گاهی توسعه‌ای در مفهوم عدل داده می‌شود و به معنای هر چیزی را به جای خود نهادن و یا کاری را به وجه شایسته انجام دادن به کار می‌رود که بر اساس این تعریف، عدل مترادف با حکمت و مساوی با کار حکیمانه می‌گردد.

به طور کلی، برای واژه عدل چند معنای مهم و کاربردی گزارش شده که به منظور خارج نشدن از اهداف پژوهش، به سه مورد آن اشاره می‌شود:

۱. موزون بودن

اگر مجموعه‌ای را در نظر بگیریم که در آن اجزای فراوانی به کار رفته و هدف خاصی از آن منظور باشد، باید شرایط معین در آن از جهت مقدار لازم هر جزء و از لحاظ کیفیت ارتباط اجزا با یکدیگر رعایت شود و تنها در این صورت است که آن مجموعه می‌تواند باقی مانده و اثرگذار باشد.

به عنوان مثال یک اجتماع اگر بخواهد باقی بماند، باید متعادل باشد؛ یعنی هر چیزی در آن به مقدار لازم وجود داشته باشد. یک اجتماع متعادل به کارهای فراوان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، قضایی، تربیتی احتیاج دارد و این کارها باید میان افراد جامعه تقسیم گردد.

وقتی به جهان با نگاه ژرف و عمیق نظر افکنده شود، روشن می‌شود موزون و متعادل است و چنانچه تعادل در عالم وجود نداشت، دوام و استمرار آن نیز امکان‌پذیر نبود.

خدای سبحان، نظم و منطق حاکم بر جهان خلقت را چنین معرفی می نماید:

«وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ»؛ (الرحمن، ۷) و آسمان را بالا برد و قانون و میزان را مقرر کرد.

بنا به نظر مفسران، در ساختمان جهان تعادل رعایت شده است و در هر چیز و از هر ماده‌ای به اندازه لازم استفاده شده است. در این زمینه روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این کیفیت نقل شده است:

«بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ»؛ (ابن ابی جمهور احسائی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۱۰۳)

آسمان‌ها و زمین با عدالت پا برجا می مانند.

و به تعبیر حافظ شیرازی:

دور فلکی یک سره بر منهج عدل است خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل

(حافظ شیرازی، غزل ۳۰۴)

۲. تساوی و نفی هرگونه تبعیض

گاهی می‌گویند فلانی عادل است، منظور این است که هیچ‌گونه تفاوتی میان افراد قائل نمی‌شود؛ بنابراین معنای عدل همان مساوی بودن است.

اگر مقصود از عدل بر اساس این دیدگاه آن است که عدالت ایجاب می‌نماید هیچ‌گونه استحقاقی رعایت نگردد و به تمامی افراد جهان به یک چشم نظر افکنده شود، این عدالت همان ظلم است؛ زیرا لازمه عدل، برابر بودن همه انسان‌ها نیست.

به عنوان مثال؛ معلم عادل کسی نیست که همه شاگردان را چه کوشا باشند و چه ضعیف، به گونه‌ای یکسان مورد تشویق یا توبیخ قرار دهد؛ بلکه معلم عادل کسی است که هر کدام از شاگردان را به اندازه استحقاقش ستایش یا نکوهش نماید و قاضی عادل نیز کسی است که سرمایه مورد نزاع را به صاحبش برگرداند.

۳. رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر صاحب حق، حق او را

با این تعریف، ظلم که نقطه مقابل عدل است، عبارت است از پایمال کردن حقوق و تجاوز به حقوق دیگران؛ لذا معنای حقیقی عدالت اجتماعی همان عدالتی است که در قانون زندگی باید رعایت شود.

این معنا از واژه عدل و ظلم از مختصات مؤلفه‌های جوامع بشری است و در ساحت کبرایی راه ندارد؛ زیرا خداوند متعال مالک موجودات عالم آفرینش است و هیچ موجودی قابل برتری و مقایسه

با او نیست. او هم چنان که مالک علی الاطلاق است، «اولی» علی الاطلاق نیز می باشد و در هر چیز هر گونه که بخواهد تصرف می نماید؛ زیرا تمام هستی به او تعلق دارد و ظلم به این معنا که تجاوز به اولویت دیگران باشد، در حق او محال است.

ادله تبیینی عدل

عدل یکی از صفات الهی به شمار می آید و بر همین اساس، بسیاری از مباحث عدل الهی با بحث حکیم بودن خداوند پیوند ناگسستنی دارد و از همان راهی که حکیم بودن خدا ثابت می شود، عدل الهی نیز ثابت می گردد.

به طور کلی، عواملی که باعث ارتکاب ظلم و ستم می شود، عبارتند از:

- جهل به ظلم بودن یک چیز
- جهل به زشت بودن ظلم
- احتیاج و نیاز به ظلم
- اجبار در انجام آن

در همین ارتباط، امام سجاد علیه السلام در مقام دعا چنین می فرماید:

«بِخْتَالٍ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ وَقَدْ تَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَنْ ذَلِكَ عُلُوًّا كَبِيرًا»؛

(صحیفه سجادیه، دعای ۴۸) و کسی ستم کند که ضعیف و ناتوان باشد و تو ای خدای من!

بس برتر از این هایی، برتری ای بس عظیم.

بنابراین، هیچ یک از این عوامل چهارگانه مورد اشاره را نمی توان درباره خداوند عالم تصور نمود. از سوی دیگر، عدل یکی از صفات کمال و ظلم یکی از کاستی ها به شمار می رود و روشن است که خدای متعال سرچشمه همه کمالات بوده و از ظلم به دور است.

توجه به آیات سه گانه زیر در قرآن کریم، راهگشای فهم این مبحث است:

- «لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ»؛ (مؤمنون، ۶۲)

و ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی او تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که سخن به حق گوید و به هیچ کس هرگز ستم نخواهد شد.

- «وَمَا اللَّهُ بِرِيدٍ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ»؛ (غافر، ۳۱) خداوند بر بندگانش ظلم نمی کند.

- «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»؛ (یونس، ۴۴)

خداوند هرگز به مردم ستم نمی کند، ولی مردم خود در حق خویش ستم می کنند.

اقسام کلی عدل

۱. عدل تکوینی

در این قسم از عدالت، سخن پیرامون وظایف و تکالیف الهی بر بندگان و پاداش روز جزا نیست؛ بلکه نظام آفرینش و این که این نظام بر اساس عدل و داد استوار است، محور بررسی و بحث است. معنای عدل در آفرینش همان گونه که در مباحث پیشین مطرح شد، این است که این نظام بر اساس عدل الهی استوار بوده و حکومت می کند و در تمامی موجودات جهان خلقت، تعادل لازم برقرار است؛ لذا اثبات این نوع عدالت بر عهده بررسی نظم جهان است و بشر با بررسی های علمی تا آن جا که دست یافته، غیر از نظم و حساب و تناسب و این که هر چیزی به جای خویش نیکو است، چیزی نیافته است.

نیوتن^۱ دانشمند فلک شناس انگلیسی در این باره می گوید: کواکب دارای مدار و فاصله معین هستند که اگر هر کدام از آن ها از مدار خود خارج شوند، جهان هستی از هم می پاشد.

۲. عدل تشریعی

عدل تشریعی دو کاربرد در مسائل دینی دارد که عبارتند از:

- دستوره های الهی که بر مردم به وسیله انبیا و از ناحیه خدای متعال فرستاده شده که براساس عدل استوار است؛ به این معنا که خداوند در اوامر و دستورات خویش، قدرت و توان بندگان و نوع افراد را در نظر می گیرد و بر این اساس تکالیفی برای آنان مقرر می فرماید. خدای سبحان می فرماید: «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»؛ (مؤمن، ۶۲).
- در روز رستاخیز بر اساس عدل میان افراد داوری می شود و هیچ گاه به افراد نیکوکار و بدکار به یک چشم نگاه نمی شود و اگر در شرایطی خطای گنهکاری را عفو کند، هیچ گاه به افراد مؤمن و صالح، کیفر بد نمی دهد.

خدای متعال می فرماید:

○ «أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ* مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»؛ (قلم، ۳۶-۳۵)

آیا افراد فرمانبردار را با مجرمان برابر می نهیم؟ شما را چه شده است؛ چگونه داوری می کنید؟

○ «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ

نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ»؛ (ص، ۲۸) آیا ما آنان را که ایمان آورده و به اعمال نیکو

پرداختند مانند مردم مفسد در زمین قرار می‌دهیم؟ یا مردمان با تقوا و خداترس را مانند فاسقان بدکار قرار می‌دهیم؟

علامه طباطبایی ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: یکسان معامله کردن با هر دو طایفه و لغو کردن آن‌چه صلاح این و فساد آن اقتضا دارد، خلاف عدالت خدای متعال است. مطلب بعدی در موضوع عدالت خداوند در مقام قضاوت میان بندگان است که این کار به منظور مشخص شدن استحقاق افراد برای انواع پاداش و کیفر انجام می‌گیرد؛ چرا که اگر برخلاف قسط و عدل باشد، نقض غرض خواهد شد. در نتیجه عدالت در مقام دادن پاداش و کیفر با توجه به هدف نهایی آفرینش ثابت می‌گردد؛ زیرا کسی که انسان را برای رسیدن به نتایج کارهای خوب و بدش آفریده است، اگر او را برخلاف اقتضای آن‌ها پاداش و کیفر دهد، به هدف خویش نخواهد رسید.

طرح مسئله شرور و عدل الهی و پاسخ به آن

یکی از سؤال‌هایی که درباره عدل الهی مطرح می‌شود، این است که آیا این همه بیماری، رنج و بلای طبیعی مانند سیل و زلزله و گرفتاری‌های اجتماعی مانند جنگ‌ها و ستم‌ها و در یک کلمه شرور، چگونه با عدل الهی سازگار است و آیا نظام حاکم بر جهان، نظامی نیکوست که بهتر از آن ممکن نبوده و اگر چنین است، چرا با این همه دشواری‌ها و شرارت‌ها همراه است؟ با توجه به همین شبهه است که برخی قائل به ثنویت شده و گفته‌اند خالق شرور غیر از خالق نیکی‌ها است.

در مجموع به این شبهه پاسخ‌های گوناگونی می‌توان داد که به اجمال، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود؛ هر چند برای یافتن پاسخ‌های تفصیلی به کتاب‌ها و منابعی که در این خصوص نوشته شده باید مراجعه نمود:

۱. شرور واقعیت خارجی ندارد و ماهیت شرور، عدم است؛ یعنی بدی‌ها از نوع نیستی و عدم هستند و هیچ گونه بدی در نظام آفرینش وجود ندارد. آن‌چه یافت می‌شود، خیر است و نظام موجود، نظام احسن است و زیباتر از آن‌چه هست که امکان ندارد و شرور موجود نیز واقعی و حقیقی نیستند تا به آفریننده و مبدئی نیازمند باشند.
۲. حوادث ناگوار طبیعی لازمه فعل و انفعالات و تراحمات مادی است و چون نیکی آنان بر شرور بودن آن‌ها غلبه دارد، مخالف حکمت نیست و ترک خیر کثیر برای پدید نیامدن شر قلیل، خلاف حکمت و نقض غرض است. هم‌چنین پدید آمدن فسادهای اجتماعی لازمه

مختار بودن انسان است که مقتضای حکمت الهی است و در عین حال، مصالح زندگی اجتماعی بیش از مفاسد آن است و اگر مفاسد بیشتر می بود، انسانی در زمین باقی نمی ماند. ۳. بلاها و مصائب در تربیت و پرورش فضایل اخلاقی انسان مؤثر هستند که در بخش بعدی به برخی از این آثار اشاره می شود.

نقش بلاها و حوادث طبیعی در پرورش فضایل اخلاقی انسانها

۱. شکوفایی استعدادهای نهفته

سرشت انسان و وضعیت عمومی جهان طبیعت به گونه ای است که بسیاری از استعدادهای مادی و معنوی انسان جز در سایه مواجهه با سختی ها و مبارزه با مشکلات شکوفا نمی شود. همان گونه که عضلات بدن یک ورزشکار تنها از راه تمرین های سخت و طاقت فرسا ورزیده می شود، پاره ای از قابلیت های روحی و معنوی انسان نیز در برخورد با مصائب و تلاش برای چیرگی بر دشواری های زندگانی، شکوفایی و ظهور می یابند. مثلاً بسیاری از اکتشافات و اختراعات علمی تحت تأثیر نیازهای اساسی آدمی برای حل مشکلات فردی و جمعی خود رخ داده است. قرآن کریم دو مرتبه بر این واقعیت تأکید می ورزد که «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا* إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ (شرح، ۵-۶) یعنی در دامان هر سختی و مصیبتی، آسانی و سهولتی نهفته است.

۲. استقامت و پایداری

یکی از دیگر آثار تربیتی مصائب این است که در انسان روح مقاومت و پایداری را تقویت می کند؛ همان گونه که فولاد در پرتو آتش سخت تر می شود و سختی ها نیز انسان را استوارتر می سازد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نامه به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره می نویسد: «أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ عُوداً وَالتَّرْوِاعَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُوداً وَالتَّائِبَاتِ الْعِدِيَّةَ أَقْوَى وَفُوداً وَأَبْطَأَ خُمُوداً»؛ (نهج البلاغه، نامه ۴۵) بدانید درخت بیابانی چوبش سخت تر است و درخت های سبز و خرم پوستشان نازک تر است و گیاهان دشتی شعله آنها فروخته تر و خاموشی آنها دیرتر است.

۳. بیدارگری

قرآن کریم می‌فرماید:

- «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالصَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ»؛ (اعراف، ۹۴) و ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آن‌که اهلش را به شداید و محن مبتلا ساختیم تا به درگاه خدا تضرع و زاری کنند.
- «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ»؛ (اعراف، ۱۳۰) و فرعونیان را سخت به قحط و تنگی معاش و نقص و آفت بر کشت و زرع مبتلا کردیم تا شاید متذکر شوند.

بر این اساس، بلاها و مصیبت‌ها زنگ بیداری است که بشر را از خواب غفلت که نتیجه زندگی اوست، بیدار می‌کند؛ چرا که مصائب و بلاها مانند سیلی‌های سخت پزشکی است که پس از انجام عمل جراحی به چهره بیمار که در بیهوشی فرو رفته می‌نوازد و گویی بلاها و مصائب، نعمت‌هایی است که به صورت قهر تجلی می‌کند.

۴. قدرشناسی نعمت‌های الهی

از دیگر فواید حوادث ناگوار طبیعی برای انسان، آن است که اهمیت نعمت‌های الهی را دریابد و قدر آن را بشناسد؛ هم‌چنان که مشهور است، قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی گرفتار آید. در حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام چنین آمده است:

این آفات هر چند به افراد نیکوکار و بدکار، هر دو می‌رسد؛ ولی خداوند آن را مایه اصلاح هر دو گروه قرار داده است، اما آفات و بلایی که به نیکوکاران می‌رسد، مایه تذکر نعمت‌های پروردگارشان که در گذشته در اختیار آنان بود می‌گردد و این امر آنان را به شکر و شکیبایی رهنمون می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۱۳۹)

۵. مجازات ظالمان

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ (اعراف، ۹۶) و چنان‌چه مردم شهر و دیاری همه ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند، همانا درهای برکاتی از آسمان و زمین بر روی آن‌ها می‌گشودیم و لیکن تکذیب کردند، ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم.

حضرت علی علیه السلام نیز در این زمینه می‌فرمایند:

خداوند بندگان را به کیفر رفتارهای ناپسند، به کاهش میوه درختان و دریغ داشتن باران و فروبستن درهای نیکی دچار می‌سازد تا آن‌که توبه کاری توبه کند و گناهکاری دست از گناه بردارد و عبرت‌آموزی پند پذیرد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳)

بر این اساس نکته مهمی که نباید از آن غفلت ورزید، تأثیر اعمال انسان‌ها در ظهور پاره‌ای شرور است. آدمی موجودی مختار است و بر اساس قانون عمومی علیت، برخی اعمال اختیاری او که از گزینش نادرست نتیجه می‌شود، به بروز پاره‌ای بلایا و مصائب دامن می‌زند. در این میان، عده‌ای معتقدند کشورهای توسعه یافته توانسته‌اند با استفاده از علم جلوی بعضی آثار مخرب حوادث طبیعی را بگیرند؛ اما باید متذکر شد که فرار از عذاب به خاطر اعمال ناشایست ممکن نیست و در داوری نباید یک مدت زمان کوتاه را لحاظ کرد؛ هم‌چنان که مشاهده می‌شود همین کشورها در زمان جنگ جهانی دوم دچار خساراتی شدند که به مراتب بیشتر از بلایای طبیعی بوده است و منشأ این جنگ‌ها و بلایای طبیعی نیز بلاهای اخلاقی و روحی در سردمداران نظام سلطه بوده است. علاوه بر این، در حال حاضر نیز دچار بلاهای دیگری نظیر نداشتن امنیت روحی و روانی و وجود مریضی‌ها و مفاسد اجتماعی هستند و در عذاب معنوی و فروپاشی نظام خانواده بسر می‌برند.

نتیجه آن‌که مبتلا شدن به عذاب ابدی در اثر گناهان بزرگ، منافاتی با عدل الهی ندارد؛ زیرا نتیجه عملی است که شخص معصیت‌کار به صورت آگاهانه به آن اقدام نموده است. شهید مطهری در این زمینه معتقد است: مجازات‌های جهان دیگر رابطه تکوینی قوی‌تری با گناهان دارند. در این‌جا رابطه «عینیت» و «اتحاد» حکمفرماست؛ یعنی آن‌چه که در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می‌شود، تجسم خود عمل آن‌ها است. (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۳۰)

۶. استمرار حیات کره خاکی

هدف نهایی آفرینش انسان، آن نیست که در دنیا به تن‌آسایی مشغول باشد؛ بلکه غایت اصلی و نهایی او رسیدن به سعادت حقیقی است که جز در سایه عبادت خدا و قرب الهی فراهم نمی‌شود. در چنین وضعیتی، حوادث طبیعی نیز از جهاتی آثار مفیدی دارند و به انسان در رسیدن به هدف نهایی‌اش که بیان شد، کمک می‌رساند؛ لذا بدی این حوادث ناگوار به صورت نسبی است.

به بیان دیگر، این حوادث نسبت به انسان‌هایی که دچار خسارت شده‌اند شر تلقی می‌شود؛ نظیر این که زهر مار برای انسان و سایر موجوداتی که از آن آسیب می‌بینند بد است، اما برای خود مار بد نیست. (مطهری، ۱۳۸۳، ج: ۱، ۱۵۵)

به زبان شعر مولانا:

زهر مار آن مار را باشد حیات لیک آن مر آدمی را شد ممات
پس بد مطلق نباشد در جهان بد به نسبت باشد این را هم بدان
(مولوی، دفتر چهارم)

بنابراین، همین حوادث نسبت به مجموعه نظام و زندگی انسان‌ها دارای آثار ارزشمندی است و باعث استمرار حیات بشر می‌شود و به انسان در رسیدن به هدف نهایی کمک می‌رساند؛ زیرا این حوادث بیدار کننده است و انسان‌هایی را که هنوز چراغ ایمان در دل ایشان خاموش نشده، بیدار می‌کند تا هدف نهایی را از یاد نبرند و به آن سمت حرکت کنند.

بیان این نکته لازم است که بلاهای طبیعی آثار و فواید گوناگون و متنوعی دارد که تنها به چند نمونه آن اشاره شد؛ اما درک این نکته در مواجهه با پدیده شرور لازم است که نیافتن علت چیزی برای انسان نشانه قطعی برای نبودن یا بی‌اثری یا شرور بودن آن نیست. بدین ترتیب خردمندی اقتضا دارد که دآوری‌های خود را به حزم و احتیاط بیشتری آراست؛ زیرا بسیار محتمل است آن‌چه را که در واقع خیر است، شر پنداشت.

این حقیقت، برگرفته از معنا و مفهوم قرآن کریم است که می‌فرماید:

«... وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ (بقره، ۲۱۶) و چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید، ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

و به زبان زیبای حافظ:

آن که پر نقش زد این دایره مینایی کس ندانست که در گردش پرگار چه کرد
(حافظ شیرازی، غزل ۱۴۱)

نتیجه‌گیری

پدیده‌های طبیعی فرآیند مجموعه‌ای از علت‌ها هستند که بعضی نسبت به هم در عرض و در یک ردیف قرار دارند و بعضی در طول هم و در امتداد یکدیگر هستند و به عبارتی، خود این علت‌ها نسبت به همدیگر، یکی معلول دیگری است.

به طور کلی، مجموعه‌ای از عوامل مادی و غیر مادی که در برخی موارد اعمال انسان نیز در بروز حوادث مؤثر است، علت تامه حوادث طبیعی را تشکیل می‌دهند و همگی مشمول نظام کلی جهانی هستند که بر اساس اراده و مشیت خداوند تحقق یافته است.

بنابراین، بروز حوادث طبیعی و یا جلوگیری از آن بر اساس نظام تدبیر الهی است و خارج از آن نیست و خداوند متعال هر گاه اراده کند که قومی را عذاب نماید، در بسیاری موارد از طریق همین علل و عوامل طبیعی که مخلوق او هستند، عذاب می‌کند و بروز حوادث طبیعی و یا جلوگیری از آن که هر دو بر اساس نظام تدبیر الهی است و خارج از آن نیست، منافاتی با وسیله عذاب قرار گرفتن بندگان ندارد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. صحیفه سجاده.
۴. ابن ابی جمهور احسانی، محمد بن زین الدین (۱۴۰۳). عوالي اللآلي العزیزة فی الأحادیث الدینیة. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.
۵. حافظ شیرازی، خواجه شمس الدین محمد. مجموعه غزلیات. برنامه گنجور.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۱). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مجموعه آثار (۱). چاپ ۴. تهران: انتشارات صدرا.
۹. مولوی، جلال الدین محمد. مثنوی معنوی. برنامه گنجور.

10. <https://mianreshteh.persianblog.ir/dgYjO4kXG8t8xeg5wKxE>
11. <http://rajanews.com/node/335245>
12. https://www.aftabir.com/articles/view/religion/religion/c7c1226828130_bale_p1.php
13. www.islamquest.net
14. <https://www.shia-news.com/fa/news/222301>